

جهانی شدن و جامعه بهائی در جهان اسلام

اثر: سهیل بدیع بشرویی

جهانی شدن و اقلیت‌ها در جوامع اسلامی در بدایت هزاره سوم:

سمپوزیوم، کتابخانه کنگره، واشنگتون دی سی

۳۰ ژانویه ۲۰۰۱

۱- "جهانی شدن" چیست؟

همانطور که با حضور ما در این بامداد در این مکان به معرض شهود در می‌آید، مفهومی که "جهانی شدن" خوانده می‌شود وجهی از حیات ما در فجر سده جدید و هزاره جدید است که بسیار حائز اهمیت می‌باشد و بسیار مورد بررسی قرار گرفته است. موقع بحث در موضوع "جهانی شدن" (globalization) و جامعه بهائی در جهان اسلام، شاید لازم باشد که با ملاحظاتی مختصر در خصوص اصطلاح "جهانی شدن" شروع کنیم. قبل از آن که این کلمه نامناسب، نازیبا و عاری از زیبایی وارد فرهنگ لغت عامه شود، محققین، روزنامه‌نگاران و مفسرین در خصوص "جهان شمولی" (globalism)، "اتحاد و یکپارچگی جهانی" (global integration)، "وابستگی متقابل جهانی" (global interdependence)، "دهکده جهانی" (global village)، و "نظم جدید جهانی" (new world order) صحبت می‌کردند.

جهان شمولی" به یک جهت‌گیری عقیدتی و خطّ مشی اطلاق شده است که به دول بسیار قدرتمند، که قوای مسلط و فائق (hegemonies) نیز خوانده می‌شوند، مربوط می‌شود. آنها خود را به عنوان سردمداران منصوب می‌کنند و برای دفاع از منافع ملی خود، حقّ دخالت در اطراف و اکناف عالم را برای خود قائلند. جهان شمولی، در جهتی معکوس، به رهیافتی به روابط بین‌المللی نیز اطلاق شده است که مسلم فرض می‌کند که به برخی از مواضع، مانند حراست از محیط زیست، باید از دیدگاهی جهانی - در مقابل منظر منطقه‌ای یا ملی - رسیدگی نمود. لذا، این نگرش جهان شمولی غالباً طالب هم‌آهنگ کردن مساعی تحت نظارت سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و مؤسسات مرتبط با آن است.

"اتحاد و یکپارچگی جهانی"، "وابستگی متقابل جهانی" و "دهکده جهانی" اصطلاحاتی هستند که فرایندهای مختلفی را توصیف می‌کنند که تحت آن جریان‌ها، ملل و اقوام عالم به عنوان یک واحد جمعی اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی گرد هم می‌آیند. "وابستگی متقابل جهانی" غالباً با حامیان و مدافعین سیاست تجارت آزاد ارتباط می‌یابد، در حالی که نظریه "دهکده جهانی" به نظام‌های پیشرفته ارتباطی و توانایی مفروض آنها برای مرتبط ساختن اقوامی که از لحاظ جغرافیایی و فرهنگی از یکدیگر دور هستند، مربوط می‌شود.

اصطلاح "جهانی شدن" که از دهه ۱۹۹۰ مورد استفاده قرار گرفته است، معیار و میزان عمده و اساسی خود را از مفاهیمی که در بالا تعریف شد اخذ می‌کند. این نکته به توضیح این موضوع کمک می‌کند که چرا اصطلاح "جهانی شدن" دارای معانی متعددی است که از بُن و ریشه متفاوتند. فی‌المثل، سیاستمداران و روشنفکران کشورهای غیرغربی و در حال توسعه غالباً جهانی شدن را تقبیح می‌کنند و مورد انتقاد قرار می‌دهند و آن را مجموعه تهدیدکننده‌ای از سیاستها می‌دانند که دول نیرومند غربی برای اعمال شکل جدیدی

از کنترل امپریالیستی تحت حمایت قرار داده‌اند. بالعکس، وقتی رهبران غربی از جهانی شدن صحبت می‌کنند، آنها مایلند آن را به عنوان یک سیستم جهانی اقتصادی یکپارچه و دارای منافع متقابل تعریف کنند که در آن، کالا، سرمایه، آراء و افکار بدون ادنی مانعی در ورای مرزهای ملی جریان می‌یابند.

۲- دیدگاه بهائی در مورد جهانی شدن

در نظر بهائیان تمامی کشورها، از جمله نفوسی که در کشورهایی که جمعیت آنها عمدهً مسلمان هستند، "جهانی شدن" دیدگاهی از یک جهانی واحد و متحد است. حضرت بهاءالله، شارع امر بهائی، در آثار مبارکه خویش به بیان شرایطی اساسی پرداخته‌اند که منجر به خلق یک جامعه واقعاً جهانی منجر می‌شود و لزوم ایجاد یک آگاهی عمومی جهانی، یک توجه و هشیاری روحانی جدید، و مسئولیتی جدید را مورد تأکید قرار داده‌اند. حضرت بهاءالله در یکی از الواح مبارکه خود که حاوی نصایح و مواعظی خطاب به اهل عالم است می‌فرماید: "ای دوستان! سرپرده یگانگی بلند شد، بچشم بیگانگان یکدیگر را مبینید، همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار. انشاءالله نور انصاف بتابد و عالم را از اعتساف مقدس فرماید." (دریای دانش، صفحه ۱۴ - لوح مقصود)

وحدت عالم که حضرت بهاءالله بیان فرموده‌اند هیچ با بازار جهانی بیروح، پشت پرده و بی‌ارزش که ما امروزه مشاهده می‌کنیم ارتباطی ندارد. بلکه، این وحدت جهانی، تنوع فرهنگها و ادیان را تصدیق می‌کند و مورد ستایش قرار می‌دهد و در عین حال بر وجوه مشترک بین جمیع افراد بشر تأکید می‌کند. بنابراین، رهیافت بهائی به جهانی شدن را می‌توان به عنوان تعهدی نسبت به اصل "وحدت در کثرت" خلاصه کرد.

بیانی که از حضرت بهاءالله نقل شد، در عین حال که بر وحدت تأکید می‌کند، بر نیاز به عدالت نیز پای می‌فشارد. جهانی شدن، آنگونه که بهائیان آن را ملاحظه می‌کنند، باید بر شالوده عدالت که به وحدت منجر می‌شود بنا گردد. چنین نظامی نه تنها آزاد، بلکه منصفانه نیز باید باشد؛ باید به ما اجازه دهد ثروت و رفاهی را که ایجاد می‌کنیم با دیگران شریک شویم؛ باید فاصله بین غنی و فقیر را به حد اقل کاهش دهد؛ و باید فرصت مساوی برای تمامی اعضاء عائله بشری فراهم آورد. مفهومی که بهائیان از جهانی شدن در نظر دارند از لحاظ ماهیت کل نگرانه است و اخلاقیاتی جهانی را مطرح می‌سازد که می‌تواند بنیادی اخلاقی برای جهانی متحد فراهم آورد که در آن، کلمه "سیاست" دیگر به معنای سوء استفاده از قدرت نیست بلکه می‌تواند، فی الحقیقه، سازنده جامعه باشد.

در نظر بهائیان، نظام جهانی آینده مبتنی بر وحدت در کثرت می‌تواند، در زمره سایر نهادها، در مؤسسات و مکانیزمهای زیر متبلور گردد:

۱- یک پارلمان جهانی که به طور دموکراتیک انتخاب شود و دارای اقتدار جهت ترویج قوانین لازم‌الاجرا باشد؛

۲- یک هیأت اجرائی جهانی که مسئول اجرای قوانینی باشد که پارلمان جهانی وضع کرده است؛

۳- یک مرجع قضائی بین‌المللی برای قضاوت در مناقشات حقوقی؛

۴- یک قوه انتظامی بین‌المللی برای حفظ نظم؛

۵- یک سیستم ارتباطات جهانی که در جمیع زوایای کره ارض موجود و در دسترس جمیع اهل عالم

باشد؛

۶- یک زبان دوم بین‌المللی؛

۷- یک نظام واحد اوزان، مقادیر و پول.

ویژگی‌های نظام جهانی که به اختصار در بالا ذکر شد در جواب وقایع و گرایش‌های تاریخی اخیر مطرح نشده است؛ در واقع تاریخ مطرح شدن آنها به قبل از قرن بیستم بر می‌گردد. به این ترتیب، بهائیان، در پیگیری خود برای جهانی که حول اصل وحدت در کثرت سازمان یافته باشد، از زمان ولادت دیانتشان در اواسط سده نوزدهم، در داخل و نیز در خارج از جهان اسلام، به بذل مجهوداتی جهت حصول جهانی شدن اشتغال داشته‌اند.

ناظران بهائی تصدیق می‌کنند که درک آنها از جهانی شدن با فرایندهای جهانی شدنی که جهان امروزه تجربه می‌کند، فقط تا حدی انطباق دارد. بدین لحاظ، بهائیان مشتاقانه همان سؤالات اساسی را می‌پرسند که مسلمین و سایر پیروان ادیان مطرح می‌کنند؛ یعنی "آیا می‌توانیم بدون تضعیف هویت روحانی و فرهنگی خویش به جهانی شدن دست یابیم؟" لذا، تا حد زیادی، بهائیان با برادران مسلمان خود، که در خصوص فرایند جهانی شدن آنچنان که در حال حاضر در جهان عملی می‌گردد، با رعایت احتیاط و محافظه‌کاری عمل می‌کنند.

۳- نقد جهانی شدن

جهانی شدن آنگونه که ما آن را می‌شناسیم، اگرچه دارای وجوه مثبت می‌باشد، اما به همان نسبت نمی‌توان انکار نمود که دارای جنبه‌هایی است که موجب نارضایتی می‌شود. جهانی شدن اقتصادی، یعنی تجارت آزاد و انتقال آزاد و نامحدود کالا و سرمایه که مربوط به آن می‌شود، مسلماً می‌توان ثابت کرد که همانند مدی است که تمامی شناورها را می‌تواند به سطح بالایی برساند. اما آنچه که مسلمین، بهائیان، و سایر جوامع در جهان در حال توسعه بیش از هر چیزی از آن هراس دارند عبارت از تهدید امپریالیسمی جدید است، امپریالیسمی که به عنوان نظامی غیرعادلانه تعریف می‌شود که در آن، منافع و مزایا به طرزی قاطع و چشمگیر به اعضاء نخبه، مرفه و ممتاز نظام تعلق می‌گیرد. بسیاری از منتقدین در عالم غرب و جهان غیر غرب استدلال کرده‌اند که جهانی شدن اقتصادی هم‌اکنون تمرکز در دسرافرین و زحمت‌افزای قدرت در هیأت‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی را به بار آورده است. این که سازمان تجارت جهانی و سایر مؤسساتی از این قبیل نسبت به مسئولیت و جوابگویی دموکراتیک آمادگی دارند مطلبی است که باید به منصفه ظهور برسد.

علاوه بر خطرات استثمار منابع طبیعی و انسانی، جهانی شدن اقتصادی معضلات دیگری را نیز برای جوامع در حال توسعه پدید می‌آورد. اگر جهانی شدن به معنای بازاری عظیم از کالاها است، این برای یک مرکز بخصوص برای برخورد آراء و نظرات، یعنی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی محلی چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ جوامع مسلمان، و اقلیت‌های مذهبی که بخشی از جوامع مسلمان می‌باشند، باید مدتی دراز سخت بیندیشند که بدون تحمّل محرومیت از مزایای مادی جهانی شدن اقتصادی، به چه نحو می‌توانند فرهنگ و هویت خود را به بهترین صورت حفظ کنند. حفظ و صیانت هویت فرهنگی باید در شرایط و زمینه وفاداری و وسیع‌تری صورت پذیرد؛ یعنی بالاتر از هر چیز، وفاداری به نوع انسان به طور کلی و جهانی که به عنوان خانه خویش در آن زندگی می‌کنیم. واقعیت این است که تمامی جوامع باید واقعیات یک جهان در

حال تغییر و تحوّل را بپذیرند؛ تغییر و تحوّل برای تأمین ضروریات ترقّی و پیشرفت، مستلزم مقتضیاتی چند است.

۴- روحانیت و جهانی شدن

برای مقابله با ارزشهای منسوخ اقتصاد جهانی، آنچه که دولتها و ملت‌های مسلمان عالم نباید انجام دهند، جدا شدن و کناره‌گیری از جریان است. گفته شده است که مخالفت با جهانی شدن به منزله نبرد با قانون جاذبه است؛ هر دو مورد نفی قضیه منطقی است. بیانیه اخیری که جامعه بین‌المللی بهائی با عنوان "چه کسی آینده را رقم می‌زند: اندیشه‌هایی در مورد قرن بیستم" منتشر کرد، شرایط تغییر و تحوّل را که جهانی شدن در آن رخ می‌دهد تعریف می‌کند و لزوم مشارکت همگی ما در این فرایند را مورد تأکید قرار می‌دهد: "هر قدر اغتشاش و ناآرامی عظیم باشد، برهه از زمانی که عالم انسانی به آن وارد می‌شود، فرصتهایی غیرمترقبه در اختیار تمام افراد، تمام مؤسّسات و تمامی جوامع کره زمین می‌گذارد تا در رقم زدن آینده کره ارض مشارکت داشته باشند." جهان اسلام و اجزاء متشکله آن، به جای آن که خود را از جهانی شدن کنار بکشند، باید با پیوستن به این جریان و مساعدت به شکل گرفتن آن، به رفع معضلات مربوطه بپردازند؛ جهان نباید از آنچه که مسلمین می‌توانند با در اختیار گذاشتن عالی‌ترین، شریف‌ترین و انسانی‌ترین ارزشهای خود عرضه نمایند محروم بماند. اگر جهانی سازی به شرکتهای و مؤسّسات واگذار شود، بلا تردید تجربه‌ای وحشتناک برای آن دسته از ملل عالم خواهد بود که در رتبه اولی از ایمان خویش حیات و نیرو می‌گیرند.

بنابراین، آنچه که ما نیاز داریم عبارت از جهانی شدن روحانیت است تا جهانی شدن اقتصاد را تعدیل نموده متحوّل سازد. مادّی‌گرایی بازار، مبرم‌ترین تنگنا و مضیقه ما، یعنی لزوم اتّحاد عائله بشری به صورت یک هیكل واحد، راحلّ نمی‌کند. بازار آزاد و تجارت آزاد می‌تواند امم ناهمگون و نابرابر را در سطح واحدی از آگاهی گرد هم می‌آورد، اما این یک بُعد محدود و سطحی است. تنها در صورتی که ما از میراث روحانی نوع بشر آگاهی داشته باشیم می‌توانیم یک جامعه جهانی واقعا متحد و یکپارچه ایجاد کنیم.

شاخص و علامت جهانی شدنی که نه فقط به وسیله مصرف‌گرائی، بلکه بوسیله روحانیت تعریف می‌شود در گفتگوی بین‌الادیان و ائتلاف میان آنها است. متجاوز از ۱۵۰ سال قبل، حضرت بهاء‌الله بر نقش بارزی که نفوس متدیّن می‌توانند، نه تنها در تأسیس وحدت مادّی، بلکه از آن مهم‌تر در وحدت و اتّحاد روحانی ایفا کنند، تأکید نمودند. ایشان خطاب به جمیع زنان و مردان متدیّن فرمودند: "ای پسران انسان دین‌الله و مذهب‌الله از برای حفظ و اتّحاد و اتّفاق و محبّت و الفت عالم است، او را سبب و علت نفاق و اختلاف و ضعیفه و بغضا منمائید." (دریای دانش، ص ۲۰ - لوح مقصود)

اخیراً یک نهضت فعال جهانی بین‌الادیان به وجود آمده که در دو اجلاس عمده پارلمان جهانی ادیان و اجلاس هزاره رهبران ادیان در نیویورک نماینده داشته است. هانس کونگ Hans Kung می‌گوید، "بدن صلح در میان ادیان، صلح در میان ملل امکانپذیر نیست." گفتگوی بین‌الادیان باید بر نقش دین در زمینه‌های متعدّدی که برای آینده بشریت اهمّیت دارد تأکید نماید: تأسیس صلح جهانی، زائل کردن فاصله بین فقرا و ثروتمندان، حفظ محیط زیست، سازماندهی و منضبط ساختن جامعه (اضافه جمعیت)، تعلیم و تربیت، و حفظ معیارهای اخلاقیات خصوصی و عمومی. شکل پایدار و عادلانه جهانی شدن این واقعیت را که علقه بین عامه نوع بشر به وسیله سنن روحانی جهان حفظ خواهد شد، متحقّق خواهد ساخت و از آن

۵- روابط مسلمان - بهائی

بدیهی است که برای دگرگون ساختن و شکل جدید بخشیدن به جریان حماسه آفرین جهانی شدن، لازم است جهان اسلام رشتۀ کاملی از منابع روحانی، اخلاقی و انسانی را در دسترس خود قرار دهد. این منابع روحانی، اخلاقی و انسانی نه تنها شامل خود مسلمان می‌گردد، بلکه جوامع اقلیتی را نیز در بر می‌گیرد که بخشهای تشکیل دهنده جوامع مسلمان می‌باشند، مانند زرتشتیان، هندوها، بودائی‌ها، اهل کتاب، و بهائیان. به عبارت ساده‌تر، برای حصول توفیق در امر عظیم و دشوار جهانی شدن از خارج از جامعه، جوامع مسلمان باید بر معضله روابط اکثریت - اقلیت در داخل جامعه فائق آیند.

بهائیان، به عنوان یکی از اقلیت‌های مذهبی در جهان اسلام، به مسائل خاص و بغرنجی که در روابط بین جوامع مذهبی ایجاد می‌شود عادت دارند. در واقع احکام بهائی، به وضوح قید می‌کنند که هر بهائی باید "... این امر حیاتی را اولین وظیفه خویش شمارد که هر اقلیتی را که در بین آن جمعیت موجود از هر جنس و ملت و از هر طبقه و رتبت تقویت و تأیید نماید و حفظ و حمایت کند." (ظهور عدل الهی، ص ۷۴-۷۳)

درست همانطور که بهائیان سعی می‌کنند از حقوق اقلیت‌هایی که ممکن است تحت حوزه حاکمیت تشکیلات آنها واقع شوند، حمایت و حراست نمایند، به همان میزان از وظیفه خویش به عنوان اقلیت آگاهی دارند که باید به جوامع بزرگتری که جزئی از آن محسوب می‌شوند در کمال وفاداری خدمت نمایند. هر قدر دیانتشان برایشان عزیز باشد، بهائیان در جهان اسلام، و محققاً در سراسر عالم به طور کلی، موظف هستند از قوانین حکومت محلی و ملی متبوعه خود اطاعت کنند. بنابراین، بهائیان "جِد و جهدشان در اکمال امور تشکیلاتی دیانتشان موقوف به این نیست که بخواهند به نحوی از انحاء قانون مملکت خویش را نقض نمایند، تا چه رسد به این که بخواهند تشکیلات خود را بالاتر از تشکیلات حکومت متبوعشان قلمداد کنند." (نظم جهانی بهائی، صفحه ۹۱) آنچه که اجرای این خط مشی را میسر ساخته این است که بهائیان از مداخله و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی ممنوع هستند.

از آنجا که بهائیان به سنت پایداری تمسک به قوانین و ضوابط کشورهایشان، اعم از داخل یا خارج از جهان اسلام، مقید هستند، اعتقاد به برخی نظرات در محافل اسلامی که دیانت بهائی را، بخصوص در ارتباط با اسلام، با دیدی منفی توصیف می‌کنند، بسیار تلخ و ناگوار است. متهم کردن بهائیان به خصومت با اسلام و نسبت دادن برخی انگیزه‌های سیاسی به آنها که ابداً ارتباطی با آنها ندارد، نه تنها کذب محض است بلکه بکلی ساختگی و جعلی است. در واقع، فقره‌ای از آثار بهائی به هر زبانی که باشد ماهیت غیر سیاسی امر بهائی را ثابت می‌کند و دلایل کافی ارائه می‌نماید که آنها به قرآن کریم، حضرت رسول اکرم و دیانت اسلام عشق می‌ورزند و به آنها احترام می‌گذارند. حضرت شوق افندی، ولی امر بهائی، بهائیان غرب را همواره هدایت می‌فرمودند که قرآن کریم را مطالعه نمایند و دیانت اسلام را "دین منشأ"^(۱) و نیز "مصدر و مطلع این امر ابداع

۱- parent religion این اصطلاح در مقدمه God Passes By (صفحه xi) و نیز The Promised Day is

Come (ص ۱۰۹) مشاهده شد، اما در ترجمه فارسی به ذکر عبارت "دیانت اسلام" اکتفا شده است - م

اعظم" (ظهور عدل الهی، صفحه ۱۰۴) تلقی کنند. حضرت بهاء الله بنفسه المقدس در بیان زیر به تکریم و احترام حضرت محمد رسول الله می پردازند که تمامی بهائیان به آن معتقدند:

وَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى مَنْ آتَسَمَ بِظَهْرِهِ ثَغْرَ الْبَطْحَاءِ وَ تَعَطَّرَ بِنَفْحَاتِ قَمِيصِهِ كُلِّ الْوَرَى
الَّذِي أَتَى لِحَفْظِ الْعِبَادِ عَنْ كُلِّ مَا يُضُرُّهُمْ فِي نَاسُوتِ الْإِنشَاءِ. تَعَالَى تَعَالَى مَقَامُهُ عَنْ وَصْفِ
الْمَمَكِنَاتِ وَ ذِكْرِ الْكَائِنَاتِ. بِهِ أَرْتَفَعَ خِبَاءُ النِّظْمِ فِي الْعَالَمِ وَ عَلَّمَ الْعِرْفَانَ بَيْنَ الْأُمَمِ. وَ عَلَى
آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ الَّذِينَ نَصَبَتْ رَايَاتِ التَّوْحِيدِ وَ أَعْلَامُ النُّصْرَةِ وَ التَّفْرِيدِ وَ بِهِمْ أَرْتَفَعَ دِينُ اللَّهِ
بَيْنَ خَلْقِهِ وَ ذِكْرُهُ بَيْنَ عِبَادِهِ. (دریای دانش، صفحه ۱۳ - لوح مقصود)

در مورد مواضع اساسی مربوط به وحدانیت الهیه و وحدت پیامبرانش، راز سر به مُهر الوهیت، و معیارها و موازین معنوی و سلوک اخلاقی، بهائیان و مسلمین نقاط و وجوه مشترک فراوانی دارند. مع کلّ ذلك، بهائیان معتقدند که دیانت آنها امری کاملاً مستقل با عقاید، اصول و احکام مربوط به خود می باشد.

۶- تحوّل در جهان اسلام

حتی وقتی که تجدید سازمان شگرفی که را که می تواند وعده، یا تهدید، جهانی شدن باشد مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم، باید این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که جریانات بارز تحوّل و تغییر که ذاتی و فطری جهان اسلام می باشد، در حال وقوع است. شبکه های ارتباط جمعی در عین حال که به نحوی فزاینده جوامع مختلف و متشتت در سراسر عالم را به یکدیگر پیوند می دهند و مرتبط می سازند، به جوامع مسلمان نیز که در اطراف و اکناف کره خاک پراکنده می باشند کمک می کنند که به یکدیگر نزدیک شوند. امروزه، مسلمین در سطح جهان به مراتب بهتر از گذشته قادرند تجارب ناهمگون و متفاوت خود را در اختیار یکدیگر قرار دهند. این فرایند فقط می تواند به شکوفایی روحانی و فکری منجر شود.

در سراسر جوامع اسلامی، حکومت های سنتی، مراجع مذهبی و پژوهشی که در مقامی بوده اند که توضیحات موثق و معتبری را در جهان ارائه نمایند زیرا میزان مصرف جمعیت های آنها به نحوی دائم التزاید با رقابت از سوی سایر آراء و ندهای مسلمان و غیرمسلمان مواجه می گردد. با انتشار کتب و متون فنی در سراسر جوامع اسلامی، عامه با سوادان طالب منابع مستقل دانش و اطلاعات می شوند که بتوانند بر مبنای آن به قضاوت انتقادی در خصوص یک رشته از مواضع بپردازند. دولتها در جهان اسلام به نحوی فزاینده در تنفیذ انحصارطلبی در وسایل ارتباط جمعی ناتوان تر خواهند شد، و لذا تحولات در جهان اسلام دیگر از بالا تحمیل نخواهد شد، بلکه از سطوح پایین تراوش کرده کنترل آن در دست آنها قرار خواهد گرفت.

تحوّلات داخلی در محدوده جهان اسلام باعث تقویت جوامع اسلامی می گردد و به فرهنگها و افراد اجازه می دهد برای مشارکت در فرایند جهانی شدن در موضع بهتری قرار بگیرند. از گفتگوهای آزاد در خصوص جهانی شدن و نحوه تأثیر مسلمین بر آن استقبال خواهد شد. تاکنون، بحث بر سر جهانی شدن، اعم از آن که در جهان غرب بوده باشد یا در عالم اسلام، بیش از حدّ از تضادّ و تباین عبارت نادرست و خسته کننده "ما در مقابل آنها" رنج برده است.

برخلاف عقاید بسیاری از متفکرین و سیاستمداران غربی، جهان اسلام از لحاظ فلسفی برای

مشارکت و تشریک مساعی در فرایندِ جاریِ جهانی شدن در موضع مناسبی قرار دارد. همانطور که مسلمین به خوبی آگاهند، از لحاظ تاریخی، بین احکام و اصول اسلام، علم و نوآوری اجتماعی ارتباطی حیاتی وجود داشته است. محققاً، نفسِ کثرت‌گراییِ جوامع اسلامی، از جمله شکوفایی اقلیت‌های مذهبی، می‌تواند به عنوان یک الگو و نمونه قوی و مؤثر برای شکل کثرت‌گرایی جهانی شدن مورد استفاده قرار گیرد. چنین جهانی شدن کثرت‌گرا، در واقع، تنها نوع پدیده‌ای است که در درازمدت می‌تواند پایدار بماند.

شاعر معروف خیال‌پرداز و رومان‌تیک آمریکایی، والت ویتمن Walt Whitman زمانی نوشت، "ما بر این تصوّریم که درباره آنچه که وجود ندارد می‌نویسیم، و بر مبنای نقشه‌هایی که هنوز تهیه نشده است دست به سفر می‌زنیم..." مبارزه‌ای که در پیش داریم بسیار عظیم است، زیرا از همه ما دعوت می‌شود که آینده کره زمین را رقم بزنیم و در این سبیل مشارکت نماییم.

۷- کتابشناسی

- ۱- خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء در آمریکا و کانادا
- ۲- بیانیه "رفاه عالم انسانی" از انتشارات جامعه بین‌المللی بهائی
- ۳- بیانیه "نقطه عطفی برای جمیع ملل" از انتشارات جامعه بین‌المللی بهائی
- ۴- بیانیه "چه کسی آینده را رقم می‌زند؟" از انتشارات مؤسسه ملی مطبوعات انگلیس
- ۵- مجموعه‌ای از الواح حضرت بهاء‌الله که بعد از کتاب اقدس نازل شده
- ۶- Dale F. Eickelman اثر دیل ایکلمن The Coming Transformation of the Muslim World
- ۷- فرهنگ اصطلاحات سیاسی جهان، مرجعی برای مفاهیم، ایده‌ها و مؤسسات، اثر گراهام ایوتز و جفری نیونهم Graham Evans & Jeffrey Newnham
- ۸- Richard A. Falk اثر ریچارد فالک A Study of Future Worlds
- ۹- Azizeh Al-Hibri اثر عزیزه الحبری Islam and the Age of Information
- ۱۰- Global Responsibility اثر هانس کونگ
- ۱۱- Houda Gamal ناصر جمال عبدال ناصر Arabs, Arab-Americans and Globalization اثر هدی جمال عبدال ناصر Abdul Nasser
- ۱۲- Olivier Roy اثر اولیویه روی The Failure of Political Islam
- ۱۳- Jay M. Shafritz اثر جی شافریتز The Dictionary of 20th Century World Politics, فیل ویلیامز Phil Williams, رونالد کالینجر Ronald Calinger